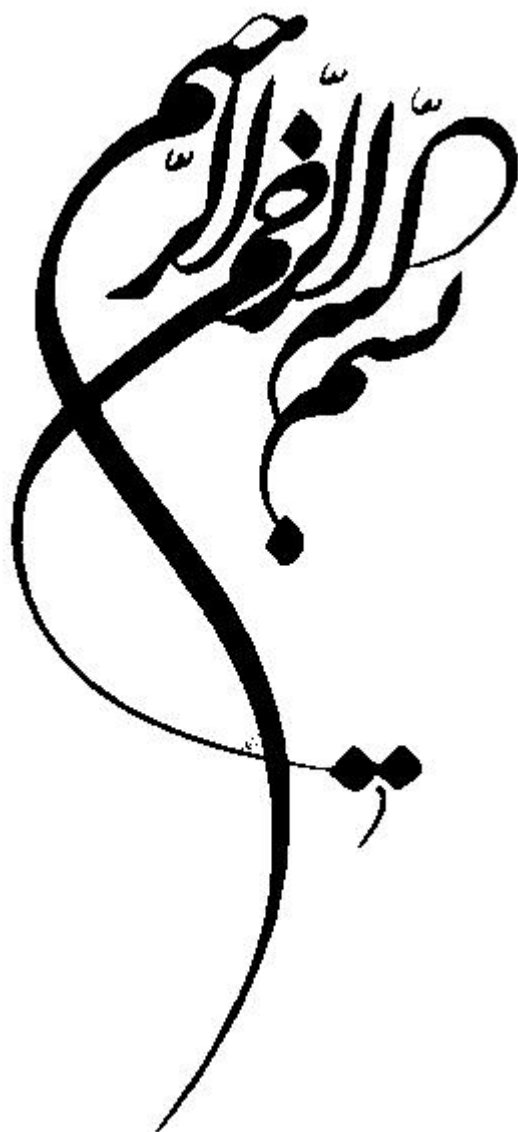




## نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)

## نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 1

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج

## نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 2

ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابى القاسم محمد صلى الله عليه

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 3

وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

در جستجوی سرچشمه کوثر

انسانی که شاغول زندگی خود را دستورات خداوند، انبیاء و ائمه قرار می دهد، به فرموده قرآن مجید، تبدیل به انسانی مستقیم خواهد شد. ریش کلمه «مستقیم»، «ق و م» است، به معنای پایدار، استوار و پابرجا؛ وجودی که در دنیا از حمله همه خطرات معنوی در امان است، و در قیامت هم از طوفانهای قیامت، فزع اکبر، عذاب خدا و آتش جهنم محفوظ است. این دو برنامه که یکی دنیایی است و یکی آخرتی، بهره مستقیم بودن است. وجود يك چنین انسانهایی، منافع مهمی برای دیگران و برای خودشان دارند. حالات این افراد، اخلاقشان، اعمالشان، منششان و روششان، تربیت کننده نفوس و رشد دهنده دیگران است، و آنها دیگران را در کنار خودشان مستقیم بار می آورند. هر يك نفری که به خاطر آنها مستقیم

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 4

شود؛ چنان که امام ششم (ع) با توضیح تأویلی یکی از آیات قرآن «1»، می فرماید: ثوابش برای آنها، مساوی با این است که تمام انسانهای آفریده شده، توسط آنها مستقیم شده اند. از این رهگذر، بهره های ابدی خالص و دائمی و همیشگی به فرموده قرآن، نصیب آنها می گردد. گاهی این گونه از افراد، جمع خانواده شان این چنین است؛ یعنی شوهر و همسرش، فرزند، عروس و داماد همگی مستقیم هستند، به خاطر این که همشان عاشقانه، عارفانه بوده و با رغبت، با میل، با شوق، شاغول الهی را که یا کتابهای آسمانی است یا قرآن و یا نبوت، برای مستقیم بالا آمدن خودشان به کار گرفته اند. قوی ترین خانواده، مستقیم ترین و سودمندترین در این عالم، در اولین و آخرین، خاندان وجود مبارك رسول خدا (ص) است که قرآن کریم تحت عنوان، اهل بیتی که «يُطَهَّرُكُمْ تُطَهِّرُكُمْ» «2» هستند، از آنها نام برده است.

---

(1)\*. اشاره به آیه 32 سوره مائده.

(2) 1. احزاب: 33.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 5

آنهایی که چه در عالم ظاهر؛ یعنی زمان حیات دنیوی این خانواده، چه در عالم معنا؛ یعنی بعد از پرواز این خانواده به جانب خدا، وارد این خانه و این بیت شدند و متوسل به این خانواده گشتند، فقط محض خاطر این بود که مستقیم شوند و وجودشان از معنویت، منش و روش آنها بهره برد و تبدیل به انسان مستقیم بشوند. یکی از آنهایی که در زمان خودشان وارد این خانه شد، خانمی بود که به عنوان کارگری، و یا به عبارت ساده‌تر، به عنوان کلفتی وارد این خانه شد. مردی می‌گوید که من در بیابان داشتم از جایی عبور می‌کردم که به خانم تنهایی برخوردم. ناراحت شدم و دلم سوخت که در این بیابان بی سر و ته عرب، چی شده که این زن در این بیابان تنها و جدا مانده است. آمدم جلو و گفتم که کی هستی و چکاره‌ای؟ چرا در این جا قرار گرفتی؟ برگشت به من گفت: «فَقُلْ سَلَامٌ» «1»، «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ». «2» این آیه‌های قرآن را خواند

---

(1) 1. انعام: 54.

(2) 2. انعام: 67.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 6

که بگوید چرا ادب نکردی؟ مگر نگفتند به هر کس وارد شدی، اول سلام کن. جواب بگیر و بعد پیرس. دیدم درست می‌گوید. این چه زنی است که به من با محاسن سفیدم درس می‌دهد؟ معلوم می‌شود که ما هنوز خیلی ادب نشده‌ایم. گفتم: خانم! این جا چه کار می‌کنی؟ او در جواب من این آیه را خواند: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ» «1»؛ این

سؤال تو بی جاست کسی که در مدار هدایت خدا است، خیال می کنی گم شده؟ گم شده به آن می گویند که دین ندارد. کسی که دین دارد، هر کجا باشد، پیدا می شود. بر این خزانه خلقت، گوهر آشکار، حق است. گفتم: آدمی هستی، جی، پری ای؟ هیچ سخنی نمی گویی جز این که قرآن می خوانی. آخر جزء چه طایفه ای هستی؟ او در جواب این آیه را خواند: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ». «2» فهمیدم آدمیزاد است. گفتم از کجا می آیی؟ این آیه را خواند: أُولَئِكَ

---

(1) 3. زمر: 37.

(2) 1. اعراف: 31.

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 7

يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ». «1» از این سخن معلوم شد او از راه دوری آمده است. گفتم: کجا می روی؟ گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». «2» فهمیدم قصد کعبه را دارد. گفتم چند روز است که در سفر حج آمدی؟ گفت: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» «3». با آیه به من فهماند شش روز است که به این سفر آمده. گفتم: آیا در این پنج و شش شبانه روز غذا خورده ای؟ در جواب این آیه را خواند: «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ» «4»: خداوند جسد و بدن آنان (انبیا) را طوری قرار نداده است که طعام نخورند. گفتم که پس عجله کنید تا از این جا برویم و به قافله برسیم. اگر بتوانیم به قافله برسیم، از این بیابان نجات پیدا می کنیم. گفت: «وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا». «5»

---

(1) 2. فصلت: 44.

(2) 3. آل عمران: 97.

(3) 4. فرقان: 59

(4) 5. انبیاء: 8.

(5) 1. مؤمنون: 62.

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 8

می‌خواست به من بفهماند که قدرت پایش همین مقداری است که می‌بینم و این قدرت را ندارد که بخواهد بدود و چنین کاری در توانش نیست. به او گفتم: بیا پشت سر من سوار مرکب من شو تا هر دو با يك مرکب برویم. گفتم: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» «1» با خواندن این آیه خواست به من بگوید چگونه ممکن است يك مرد نامحرم و زن نامحرم يك جا سوار بشوند؟ چون وقتی بدنشان نزديك هم باشد، تولید فساد می‌کند. گفتم: شما منظور من را از دعوت کردن به سوار شدن، به اشتباه فهمیدی. بعد پیاده شدم و گفتم: شما سوار شوید، و سوار شد و این آیه را خواند: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ». «2» تا به قافله رسیدیم، گفتم: خانم! در این قافله کسی را داری که آشنای تو باشد؟ چهار آیه خواند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» «3»،

(1) 2. انبیاء: 22.

(2) 3. حم: 13.

(3) 4. آل عمران: 144.

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 9

«يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» «1»، «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» «2»، «يَا مُوسَىٰ ..... إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» «3» با خواندن این آیات به من فهماند که آشنایان در این سفر و در این قافله، آن چهار نفری هستند که در این چهار آیه، اسمشان برده شده است. به کنار قافله که رسیدیم، هر چهار نفر آنان آمدند و دورش را گرفتند. او سمت من برگشت و رو به من این آیه را خواند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا». «4» با قرآن به من گفت این‌ها پسران من هستند. بعد رو کرد به هر چهار نفرشان، و با این آیه: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» «5» به آن‌ها فهماند که ای بچه‌های من! این فرد برای نجات من زحمت کشید و

---

(1) 1. مريم: 12.

(2) 2. ص: 26.

(3) 3. طه: 11 - 14.

(4) 4. كهف: 46.

(5) 5. قصص: 26.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 10

کارش را بی‌ارزش ندانید و در برابر زحمتش، به او پول بدهید. پسرانش پول که دادند، او نگاهی به پول کرد و با خواندن این آیه قرآن: «وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» «1»، به پسرانش فهماند که پولی که داده‌اند، کم است و باید آن را اضافه کنند. به پسرانش گفتم: من که از این زن مات‌زده شده‌ام، می‌خواهم بدانم او کیست؟ گفتند: مادرمان کنیز حضرت فاطمه زهرا (س) بود و بیست سال است با غیر از قرآن، با ما حرف دیگری نزده است. «2» نتیجه این حکایت این است که کُلُفَت و کارگر این خانواده، خودش شاغول می‌شود برای خانواده‌های جهان؛ یعنی قرآن، همه خانواده‌ها، خانواده‌های مؤمن و اسلامی را این‌گونه می‌خواهد باشد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» «3». من شما مردم مسلمان و امت اسلام را در همه خوبی‌ها، گواه و شاهد بر

---

(1) 1. بقره: 261.

(2) 2. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 121 - 122.

(3) 3. بقره: 143.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 11

مردم عالم می‌خواهم که همه منش، روش و رفتارشان شاهد بر خوبی‌ها باشد و مردم دنیا هر چیزی از شما می‌بینند، آن را مثبت ببینند؛ خوبی ببینند؛ پاکی ببینند؛ درستی ببینند. شما خانواده مسلمان، از مرد و زن، از پیر و جوان، از دولت و ملت، از ثروتمند و فقیرتان باید شبیه اهل بیت: باشد.

#### سرچشمه کوثر

این کلفت خانه آنان بود که روش، منش، حال، اخلاق و اعمال او، روش، منش، حال، اخلاق و اعمال فاطمه زهرا (س) شده است؛ یعنی فاطمه زهرا (س) که مستقیم‌ترین زن در جهان خلقت است، این مستقیم بودنش را، استقامتش را و درست بودنش را، نه با زبان، بلکه به صورت عملی به يك کلفت انتقال داده، و از نظر وجودی، این کلفت تبدیل به مصداق عینی قرآن شده است.

آنچه گفتیم، این پرسش را پیش می‌آورد که حضرت زهرا (س) خود، این همه مایه‌های بی‌نهایت مثبت را از کجا آورده است؟ باید در شیر حضرت

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 12

زهرا (س) دقت کرد که چه سینه‌ای به این دختر شیر داده و چه شیری به او داده است، و آن مادری که این دختر نه ماه در رحم او رشد کرده، دارای چه حالاتی بوده است. او چه اخلاقی و چه کرامتی داشته است. او چقدر مستقیم بوده است که از طریق رحم، از طریق شیر، از طریق عمل، از طریق اخلاق، در این دختر جلوه کرده، مگر نه این که قرآن مجید می‌گوید، اول وجود مادر و بعد، وجود پدر، در وجود فرزند جلوه می‌کند، و هر چه در پدر و مادر باشد، در وجود بچه سر در می‌آورد. مصالح ساختمان وجود بچه، مربوط به پدر بوده و نود درصدش مربوط به مادر است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ

نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّائِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ». «1» حالا ببینید خدیجه کبری (س) چگونه زنی بود؟ با تحقیقاتی که خود من در مهم‌ترین کتاب‌ها کرده‌ام و در این تحقیقاتم به یقین رسیده‌ام، این است که قبل از پیغمبر (ص)، خدیجه کبری (س) حاضر نشد، احدی از افراد مکه را به عنوان شوهر انتخاب کند؛ چون فردی را از نظر

---

(1) 1. زیارت اربعین، به نقل از سید بن طاووس، الاقبال، ج 3، ص 101.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 13

اخلاق، روش، منش و عقل و خرد هم‌شان خودش نمی‌دید. او خانمی بود با اندیشه، عاقل، متفکر، دانا، بینا و دارای بصیرت، و حاضر نشد کنار يك بت‌پرست و مُشرك يك روز را هم به سر ببرد. این خانم تا چهل سالگی ازدواج نکرد «1»، و مطلقاً افرادی که می‌گویند ایشان قبل از پیغمبر دو بار ازدواج کرده است، سخنی را می‌گویند که در کتاب‌های اهل سنت آمده «2»، آن هم تا يك قرن معینی که این خبر آن جا قطع شده و قبل از آن، دیگر چنین مسأله‌ای در کتاب‌های گذشت آنان وجود نداشته است؛ یعنی این تحقیقات کاملاً نشان می‌دهد که این دو شوهر نسبت داده شده به حضرت خدیجه (س)، ساختگی، دروغ و قلابی بوده است.

حضرت خدیجه (س) که به سنّ چهل سالگی که می‌رسد، دارای ثروت فراوانی است و عده‌ای هم با ثروت او کار می‌کنند و حق‌العمل می‌گیرند. از جمله کسانی که حاضر شد با کاروان تجارتي

---

(1) 1. حمیری قمی، قرب‌الاسناد، ص 225- حسین بن حمدان حصیبي، الهدایه الکبری، ص 40.

(2) 2. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص 20.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 14

حضرت خدیجه به شام برو، رسول خدا (ص) بود که در آن زمان حدود بیست و چهار سال داشت. کاروان تجارتی خدیجه، از برکت قدم پیغمبر (ص)، تنها با رفتن به يك سفر شام، سود فراوانی کرد. با برگشتن این کاروان، خدیجه به غلامش میسره گفت: از ماجرای رفتن و برگشتن کاروان چه خبر؟ او به خدیجه کبری (س) گزارش داد که برخلاف هر بار، این بار کسی در کاروان بود که معدن ادب، فضیلت، پاکی، امانت، کرامت، صداقت، اصالت خرد و معرفت، درستی، وقار و آرامش بود. این مجموعه را میسره برای خدیجه (س) گفت. این فضایل، کرامات، درستی‌ها، واسطه حضرت خدیجه (س) شد برای ازدواج با این شخصیت دوست‌داشتنی. «1» این ازدواج تنها و برای محض تأمین غریزه جنسی انجام نگرفت. اگر پای بدن در کار بود، همان وقت که حضرت سیزده و چهارده ساله بود، ازدواج می‌کرد، و هر کسی هم از او خواستگاری می‌کرد، آن را قبول می‌کرد و این قدر منتظر نمی‌ماند؛ اما این خانم آمد و حاضر شد با

---

(1) 1. الهدایه الکبری، ص 51.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 15

شرافت ازدواج کند؛ با کرامت، با فضیلت، با درستی، با صدق، با وفا، با صفا، با عقل، ازدواج کند. برای همین، به روایتی خود خانم به خانواده پیغمبر پیشنهاد داد که اگر جوانتان برای ازدواج حاضر است و درباره سنّ من ایرادی ندارد، من حاضریم با او ازدواج کنم. «1» پیغمبر (ص) می‌دانست که چه کسی به او پیشنهاد ازدواج داده است. پیغمبر (ص) خبر داشت که این خانم با همه ثروتش، دنیای عفت و عصمت است؛ دنیای پاک‌دامنی و فضیلت است. پیغمبر هم که ملاک ازدواجش، نه جوانیش بود، و نه غریزه جنسی و شهوت، این پیشنهاد را پذیرفت و با آدمیت، انسانیت و عقل ازدواج کرد. این چنین است که باید محصول این ازدواج، فاطمه (س) بشود؛ یعنی دو عقل، دو خرد، دو فضیلت، دو کرامت، دو عظمت، دو دریای صدق و وفا، با همدیگر، وجود فاطمه زهرا (س) را تشکیل می‌دهند. زهرا (س) از يك طرف خدیجه (س) است، و از يك طرف، پدرش، پیغمبر (ص)، است.

---

(1) 1. الهدایه الکبری، ص 52.

## نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 16

چله‌نشینی پیامبر به دستور خدا برای متولد شدن فاطمه

ازدواج صورت گرفت. جبرئیل (ع) نازل شد و گفت: یا رسول الله (ص)! خدا می‌فرماید، چهل روز روزه بگیر و خانه خدیجه را هم ترك كن. رسول الله (ص) تا شب چهلم، چهل روز روزه گرفت. یکی از یاران باوفایش را فرمود، به در خانه خدیجه (س) برود و از طرف او بگوید: خدیجه بزرگوار! من قهر نکرده‌ام، بلکه من به دستور خدا، خانه را ترك کردم و به زودی برخوادم گشت و هیچ عیب و علتی در بین نیست و تنها من باید چهل روز از شما کناره‌گیری کنم و دستور خدا چنین است، و برای این که بدانی خدیجه تو کیستی، به تو خبر می‌دهم که پروردگار در شبانه‌روز، چندین بار، به وجود تو بر تمام ملائکه مباهات می‌کند. شب چهلم جبرئیل (ع) آمد و گفت: درب را ببندید و وقت افطار کسی را در خانه راه ندهید. بعد طَبَقی جلوی پیغمبر گذاشت و گفت: با این طعام افطار کن. سپس طبق را گشود. در آن

## نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 17

خوشه‌هایی از خرما و انگور که قسمتی از آن خورده شده بود، قرار داشت. پیامبر با آن طعام افطار کرد و بلند شد و به سمت محراب عبادت رفت. جبرئیل (ع) شانه‌اش را گرفت و گفت: خدا می‌فرماید عبادت امشب تو، رفتن به نزد خدیجه (س) است. الآن تو با چهل شبانه‌روز روزه و عبادت، آماده این شده‌ای که ریشه زهرا (س) در وجودت جوانه بزند و باید این ریشه را امشب به خدیجه منتقل نمایی. «1» فاطمه (س) در آن جا باید نه ماه تربیت شود و رشد کند. این رحم پاک‌ترین رحم عالم است. اگر رحم دیگری شایستگی زهرا (س) را داشت، او در آن رحم رشد می‌کرد.

سخن گفتن فاطمه با خدیجه در شکم مادر

خدیجه کبری (س) که حامله شد، يك روز پیغمبر (ص) آمد و دید در خانه صدای صحبت می‌آید. ایشان در اتاق را باز نکرد تا صحبت خدیجه (س) تمام بشود. این رفتار پیامبر (ص)؛ یعنی

---

(1) 1. بحارالانوار، ج 16، ص 78-80.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 18

ادب بکنید و در حرف مردم ندوید. حرف‌های آن‌ها با هم که تمام شد، دید که خدیجه (س) تنهاست و خانم دیگری هم پیشش نیست. به خدیجه (س) گفت: پس شما با چه کسی حرف می‌زدی؟ خدیجه (س) گفت: آقا! با این بچه‌ای که در رحم دارم. این کار، باعث آرامش و مایه قرار من شده است. او با من حرف می‌زند و به من دلداری می‌دهد. این بچه، مسایل شگفت‌انگیزی را برای من مطرح می‌کند. رسول‌الله (ص) فرمود: خدیجه (س)! به من خبر داده‌اند که این بچه دختر است و مادر یازده امام و همسر امام. این عنایت را خدا نسبت به تو انجام داد. «1»

### اظهارات شگفت پیامبر (ص) درباره خدیجه (س)

رسول‌خدا (ص) اظهارات شگفتی را درباره خدیجه (س) ابراز کرد. چه شگفت است این

---

(1) 1. ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص 285.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 19

نظریاتی که وجود مقدس رسول خدا (ص) درباره خدیجه کبری (س) داشت و این زن چه زن فوق‌العاده‌ای بود. رسول‌خدا (ص) می‌فرماید: «أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْثَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ

مُزَاحِم، امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ» 1: برترین زنان هشت بهشت، چهار زن بوده و بیش تر نیستند: خدیجه (س)، فاطمه (س)، مریم، آسیه. ببینید با این شاغول قرآن، خدیجه (س) تا کجا پرواز کرد. او آمد و در کنار زهرا (س)، مریم و آسیه قرار گرفت. بهترین زنان بهشت، چهار نفرند: مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد، و آسیه بنت مزاحم، زن فرعون. امام موسی کاظم (ع) فرموده: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ اَرْبَعًا: مَرْيَمَ، وَ آسِيَةَ، وَ خَدِيجَةَ، وَ فَاطِمَةَ» 2: (ص) می فرماید: خدا از نظر

---

(1) 1. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص 76.

(2) 2. بحارالانوار، ج 14، ص 201.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 20

ایمان، اخلاق و عمل، به تمام زنان اولین و آخرینشان نظر کرد و چهار زن را به عنوان بندگان برتر، انتخاب کرد: مریم، آسیه، خدیجه (س) و فاطمه (س).

پیغمبر (ص) فرمود: «اشْتَقَّتِ الْجَنَّةُ إِلَى اَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ، زَوْجَةُ فِرْعَوْنَ، وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْجَنَّةِ، وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» 1: بهشت، ولع دیدار با این چهار زن را دارد و می گوید که این چهار زن چه وقت در من قرار می گیرند که من دارم از فراق این ها، می میرم؛ شوق بهشت به این چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، زن فرعون در دنیا و زن بهشتی پیامبر (ص) در آخرت، خدیجه (س)

---

(1) 1.. بحارالانوار، ج 43، ص 52.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 21

دختر خویلد، همسر پیامبر (ص) در دنیا و آخرت؛ یعنی ده میلیون حورالعین جای يك خدیجه (س) را در قیامت نمی گیرند و به تعبیری، حورالعین آن جا راه ندارد؛ خدیجه (س) به جای مُزد حورالعین پیغمبر (ص)، برای پیغمبر (ص) بس است، و فاطمه (س)، دختر پیامبر (ص).

سلام فرستادن خدا بر خدیجه (س)

جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) نازل شد. پس گفت: «أَفْرَأَ خَدِيجَةَ السَّلَامِ مِنْ رَبِّهَا». سلام من را به خدیجه برسان، پس رسول الله (ص) گفت: «يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَائِيلُ يَقْرِئُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ». الآن جبرئیل (ع) پیش من است و از جانب خدا به تو سلام

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 22

می‌رساند، پس خدیجه (س) گفت: «اللَّهُ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ». «1»

بیعت نمودن خدیجه با علی (ع)

علی (ع) سیزده ساله بود که پیغمبر (ص) او را صدا زد و فرمود: علی جان! بیا کنار من بنشین، و به خدیجه (س) هم فرمود: خدیج من! شما هم بیا. بعد رو به آنها گفت: پس از مرگ من، ولایت علی (ع) بر جهان واجب می‌شود و امام بعد از مرگ من، علی (ع) است، هر چند الآن او سیزده سالش است و هنوز زمان ولایت او نرسیده، ولی من می‌خواهم پیش خدا پرونده‌ات پر و کامل بشود. علی جان! دستت را بگذار روی زمین، و امیرمؤمنان (ع) دستش را روی زمین گذاشت. پیغمبر (ص) هم دستش را گذاشت روی دست علی (ع)، و بعد به خدیجه (س) فرمود، دستت را

---

(1) 1. محمد بیومی، سیده فاطمه الزهراء 3، ص.

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 23

بگذار روی دست من، و با علی (ع) به عنوان امام واجب‌الاطاعه بیعت کن؛ چون در قیامت اگر در پیرونده مردم، رضایت علی (ع) نباشد، آنان اهل نجات نیستند. خدیجه (س) گفت: یا رسول‌الله! به جان، ولایت علی (ع) را می‌خرم و با علی (ع) بیعت می‌کنم تا آن جا که حاضریم جانم را فدای علی (ع) کنم. «1» این بیعت، يك بیعت صحیح است.

### امام مجتبی (ع) هم‌قیاف حضرت خدیجه (س)

امام مجتبی (ع) در توضیح آیه شریف «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» «2»: من شما را در رحم مادران به هر شکلی که خواستم صورت‌بندی کردم و قیافه به شما دادم، فرمود: «صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ، فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» «3»: خدا

(1) 1. بحارالانوار، ج 18، 233.

(2) انقطاع: 2. 8.

(3) 1. ابن شهر آشوب شیرازی، مناقب، ج 3، ص 170.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 24

در صلب ابی‌طالب شکل و قیافه علی (ع) را به شکل و قیافه پیامبر نقاشی کرد. تا حالا می‌دانستید علی (ع) شکل کیست؟ مگر خدا در قرآن نمی‌فرماید: علی و پیغمبر، جان هم هستند «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسُكُمْ» «1»، «فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»، و اما خداوند برادر حسین (ع) را به شکل مادرم فاطمه (س) در رحم مادر نقاشی کرد: «وَكَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ» «2»، و اما من را که می‌خواست در رحم مادرم زهرا (س) صورت‌گیری کند، من را به شکل مادر بزرگم خدیجه (س) نقاشی کرد: «كُنْتُ أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى». «3»

کار شخصیت این زن و مستقیم شدنش به جایی رسید که ما می‌خواهیم امام حسین (ع) را معرفی کنیم، برخلاف آنچه در دنیا مرسوم است که افراد را با پدرانشان معرفی می‌کنند، ما اباعبدالله (ع) را در

(1) 2. آل عمران: 61.

(2) 3. همان.

(3) 4. همان.

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 25

دو جا، با مادر معرفی می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى» «1»

نقش ثروت خدیجه (س) در برپایی دین اسلام

در روایت دارد که در روز غربت پیغمبر (ص)، خدیجه (س) وزیر صادق پیغمبر (ص) بود و پیغمبر (ص) در کنار او آرامش می‌یافت. «2» با این که خدیجه (س) پیش از ازدواج با پیامبر (ص)، زنی ثروتمند بود، تمامی بیست میلیون دینار ثروت خود را در مسیر و راه پیغمبر هزینه کرد. ابن عباس در تفسیر آیه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأُعْتَى» «3» فرموده: خداوند می‌گوید: خداوند تو را پیش قوم، فقیر یافت بی‌آن که مالی برای تو باشد، پس با مال خدیجه تو را بی‌نیاز کرد. «4» پیغمبر نیز در تحلیل این

(1) 1. شیخ طوسی، مصباح‌المجتهد، ص 720.

(2) 2. ابن سیدالناس، عیون‌الاثار، ج 1، ص 171- بحارالانوار، ج 16، ص 7.

(3) 3. ضحی: 8.

(4) 4. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص 130.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 26

فداکاری فرمود: «مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ: مَالِ خَدِيجَةٍ وَ سَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»<sup>1</sup>: این دین به مال خدیجه (س) و شمشیر علی (ع) تا روز قیامت پا بر جا شد؛ یعنی پیغمبر (ص) ثواب مال خدیجه (س) را گذاشت کنار شمشیر علی (ع). در پاسخ به این تلاش‌ها و یاری‌ها بود که پیغمبر (ص) خدیجه (س) را به پاداش خانه‌ای در بهشت بشارت داد، خانه‌ای از يك قطعه (از زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست. «2» خدیجه (س) تمام سختی‌ها را همراه پیغمبر (ص) تحمل کرد و تمام هزار شبانه‌روزی که حضرت (ص) در شعب ابی طالب حبس بود، این بانو خم به ابرو نیاورد. این زن، هزار شبانه‌روز، تشنه، گرسنه و پابرنه در محاصره دشمن به سرآورد و در این مدت، همیشه به پیامبر (ص) می‌گفت: جان من فدای تو باد!

(1) 1. شیخ محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ص 233.

(2) 2. بحارالانوار، ج 16، ص 8.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 27

او که از آن هزار شبانه‌روز محاصره، به درآمد، از بس که در این محاصره زجر دیده بود، بیمار شد و به مرگ نزدیک گشت.  
«1»

زبان حال خدیجه (س) هنگام مرگ

بیماری خدیجه (س) که شدت گرفت، پیغمبر (ص) به نزد او رفت و کنار بسترش نشست. خدیجه (س) گریه می کرد. پیغمبر (س) فرمود: خدیجه جان! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: الان که لحظات آخر عمرم است، فقط برای يك مسأله گریه می کنم و آن این است که نمی دانم الان که دارم می میرم، آیا خدا از من راضی است یا نه؟ جبرئیل (ع) نازل شد و فرمود: یا رسول الله! خدا می فرماید، سلام من را به خدیجه (س) برسان و بگو، من از تو راضی هستم. خدیجه شاد شد. بعد خدیجه (س) گفت: آقا! من خواهشی از شما دارم، ولی خجالت می کشم آن را به شما بگویم؛ شما از اتاق بیرون بروید تا من آن را به دخترمان

(1) 1. بحارالانوار، ج 18، ص 233.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 28

فاطمه (س) بگویم تا او بعداً آن را به شما بگوید. خدیجه (س) فاطمه پنج ساله را صدا کرد و از او خواست که کنارش بنشیند. سپس به او گفت: فاطمه من! من می خواهم به خانه قبر بروم و به عالم برزخ داخل شوم، برای محفوظ ماندن من از عذاب قبر و برزخ، تو به پدرت بگو مرا در عباي خودش بپیچد و کفن کند. فاطمه جان! می دانی پدرت در این عبا چقدر خدا را عبادت کرده؟ فاطمه (س) گفت: چشم مادر. فاطمه (س) بیرون آمد و گفت: پدر! مادر می گوید من را در عباي خودت کفن کن! پیغمبر فرمود: فاطمه جان! چشم، و عباي خود را به او داد. فاطمه (س) آن را برای مادر بُرد و مادر از دیدن آن، بسیار خوشحال شد.

هنوز سه روز از وفات ابوطالب (ع) نگذشته بود که خدیجه (س) هم وفات یافت. پیغمبر (ص) شروع کرد به این که جسم شریف آن حضرت را آماده سفر آخرت نماید، همین که خواست حضرت را کفن کند، جبرئیل (ع) نازل شد و گفت: در میان این بقچه، کفن خدیجه (س) است از لباس های بهشتی که خداوند آن را به او هدیه نموده. بعد بقچه ای به پیغمبر (ص) داد و گفت: یا رسول الله!

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 29

خدا پنج کفن فرستاده که اولین آن‌ها متعلق به خدیجه (س) است. اما عیابی که از تو خواسته، نخست، رویش را با آن بپوشان و بعد او را با کفنی که من داده‌ام، بپوشان. دومین این کفن‌ها هم متعلق به دخترت فاطمه (س) است و یکی از آن‌ها هم متعلق به خودت است، و چهارمین آن‌ها هم متعلق به علی (ع) است و پنجمین آن‌ها هم متعلق به حسن (ع) تو است. «1» پیغمبر (ص) که نمی‌خواست فاطمه (س) شاهد مرگ مادرش باشد، فاطمه (س) را بغل کرد و به خانه ابوطالب برد و او را به زن عمویش، فاطمه بنت اسد، مادر علی (ع)، سپرد. بعد هم برگشت سر خدیجه (س) را به دامن گرفت. خدیجه (س) از دنیا رفت. هنگام مرگ، فرشتگان به استقبال حضرت آمده بودند. «2» سپس جسد مطهر خدیجه (س) را با یارانش به حجون بردند تا او را در کنار قبر مادرش، حضرت آمنه، به خاک بسپارند. هنوز نماز میت تشریع نشده بود، برای همین خود

---

(1) 1. شجره طوبی، ج 2، ص 234.

(2) 2. نمازی، مستدرک سفینه البحار، ج 2، ص 35.

### نگاهی به مقام حضرت خدیجه (ع)، ص: 30

رسول خدا (ص) در آن قبری که برای حضرت خدیجه (س) آماده کرده بودند، رفت و خوابید و سپس بیرون آمد. بعد آن گوهر پاک را در آن جا به خاک سپرد و او با ملکوتیان هم‌نشین شد.

پیامبر (ص) که به خانه رفت، پیوسته فاطمه خردسال به گرد پیامبر می‌چرخید و سراغ مادرش را می‌گرفت، و رسول الله (ص) نمی‌دانست به او چه بگوید تا این که جبرئیل (ع) نازل شد و گفت: پروردگارت به تو دستور می‌دهد که بر فاطمه (س) سلام کنی و به او بگویی که مادرت در میان آسیه، زن فرعون، و مریم، دختر عمران، به سر می‌برد، در خانه‌ای از تارهای طلا و نقره که چارچوب‌هایش، از طلا و ستون‌هایش، از یاقوت قرمز است. پس فاطمه (س) گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ». «1»

---

(1) 1. تبریزی انصاری، اللمعه البيضاء، ص 23.

